اصغر کریمی

**فرشگرد فوق ارتجاعی و ضد مردمی است**

جریان فرشگرد متشکل از تعدادی دو خردادی و اطلاعاتی سابق و تعدادی بی هویت دیگر که توسط رسانه های دست راستی مثل بادکنک باد شد جریانی بشدت ضد مردمی، مرتجع و دست راستی است.

سخنگویان این جریان وقیحانه و بدون هیچ شرمی اعلام میکنند که طرفدار پر و پا قرص ترامپ و سیاست های راسیستی و فوق ارتجاعی او هستند. بشدت از دستاوردهای کشورهای اروپایی در زمینه خدمات و حق و حقوق مردم که حاصل دهها سال مبارزات کارگری و سوسیالیست ها است، اظهار بیزاری میکنند و الگوی آمریکا را که درمقایسه با کشورهای اروپایی فوق العاده عقب تر است، ستایش کرده و بازار آزاد و لیبرالیسم اقتصادی را برای ایران تجویز میکنند. حامی سیاست های داخلی ترامپ هستند که تلاش میکند اوضاع را باز هم بیشتر به زیان اکثریت کارگر و زحمتکش این کشور تغییر دهد. سیاست ترامپ را که از موضعی ارتجاعی با رسانه ها درافتاده نیز مورد تمجید قرار میدهند. در واقع اینها تاچریست، ریگانیست، ترامپیست هستند که نماینده ضد مردمی ترین و راست ترین بخش بورژوازی جهانی میباشند. با هویت ضد کمونیستی اعلام موجودیت کرده و صریح و آشکار منظورشان از چپ و کمونیسم را تعهد دولت نسبت به جامعه و خدمات و بیمه های اجتماعی و تحصیل و درمان رایگان میدانند. همه این خدمات را که به درجاتی در کشورهای اروپایی برقرار است، چپ و کمونیسم و طبقه کارگر به سرمایه داری در طول قرن بیست تحمیل کرده و اینها در مصاحبه ها و بحث هایشان بی پرده با آنها مخالفت میکنند. به این معنی فرشگردی ها بیش از آنکه علیه جمهوری اسلامی باشند، علیه دستاوردهای طبقه کارگر در غرب و علیه چپ و کمونیسم هستند و اینرا کتمان نمیکنند.

این جریان شانسی برای تبدیل شدن به یک نیروی سیاسی ندارد. جامعه ایران بسیار چپ تر و سیاسی تر از این جریان است. طبقه کارگر با گوشت و پوست معنی لیبرالیسم اقتصادی و بازار آزاد را تجربه کرده است. سیاستی که جمهوری اسلامی در سالهای گذشته بطور شتابنده ای عملی کرده و با خصوصی کردن ها و ایجاد مناطق ویژه اقتصادی و خارج کردن کارگران از همین قانون کار ضدکارگری اش معنی واقعی آنرا به کارگران و اکثریت جامعه نشان داده است. جامعه ایران بسیار چپ است. مردم بهداشت و تحصیل رایگان میخواهند، شرایط بهتری برای دوران بازنشستگی میخواهند، بیمه های اجتماعی و خدمات مناسب میخواهند، خواهان یک زندگی انسانی برای کودکان هستند، حق اعتصاب و تشکل و آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده میخواهند و فرشگردی ها با همه اینها مخالفند. جامعه ای با این درجه روشن بینی، با طیف بسیار وسیعی از فعالین کارگری و اجتماعی چپ، و فضای چپی که بر اعتراضات بخش های مختلف مردم حاکم است، کوچکترین خوانایی با نئوکنسرواتیسم این شاگردان مکتب شیکاگو ندارد. نقطه مثبت! این جریان صراحت آنها است که اهداف ضد کارگری ضد کمونیستی شان را بدون لفافه بیان میکنند. رضا پهلوی کمی عقل بخرج داده و از موضعگیری صریح علیه سایر گرایشات اپوزیسیون خودداری کرده است. اینها هنوز فعالیتی شروع نکرده دشمنی شان را با کمونیسم، یعنی ستون فقرات تغییرات در ایران و ستون فقرات مقابله با مذهب و جمهوری اسلامی، اعلام کرده اند. ویژگی دیگر این جریان هویت دو خردادی و سوابق مشکوک بسیاری از بنیانگذاران این جریان است که با دانش آموختگان لیبرال و با بخشی از طرفداران رضا پهلوی ملغمه ویژه ای تشکیل داده اند و این مساله کسانی که بالقوه میتوانند حامی این جریان باشند را هم محتاط کرده است. دو خردادی هایی که از بنیانگذاران این جریان پفکی هستند، میدانند که این فشار چپ جامعه بود که کل جنبش آنها را به شکست کشاند و در دیماه ۹۶ با شعار اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا پایان آنها را اعلام کرد. اینها قرار است اهداف و نیات ضد کمونیستی خود را اینبار در این تشکل دنبال کنند اما حضور اینها، ماهیت واقعی فرشگرد را بهتر برای مردم عیان میکند. حتی رضا پهلوی که با اعلام موجودیت فرشگرد تویت آنها را بازنشر کرد، بنظر میرسد در حمایت بیشتر از این جریان محتاط شده باشد. چرا که میداند بدرجه ای که از چنین جریانی حمایت کند، موقعیت خود را از این هم که هست خرابتر خواهد کرد.

رسانه هایی مانند من و تو و بی بی سی و صدای آمریکا و غیره ماهیت ارتجاعی و ضد کمونیستی فرشگرد را میشناسند و بی دلیل نیست که سخاوتمندانه و در یک تصمیم واحد در همان ساعات اولیه اعلام موجودیت این جریان، تریبون در اختیار آنها گذاشتند.

این جریان به جایی نمیرسد. از یکطرف بدلیل ترکیب آن و مهمتر تحت فشار چپ جامعه به عناصر اولیه تجزیه میشود و مثل بادکنک بادش خالی میشود. اینها جنبش سرنگونی طلبی را تقویت نمیکنند، بلکه متناسب با جثه خود مانعی در مقابل مردم و مبارزات جاری آنها و کل جنبش سرنگونی طلبی هستند. جریانی که آشکارا علیه کارگر و کمونیسم به میدان میاید، آنهم در فضای پرتحرک و انقلابی که دوره عروج کارگر و کمونیسم است، توسط قدرت اجتماعی و سیاسی چپ بسرعت در هم خواهد شکست. در واقع نفس شکل گیری چنین جریاناتی ناشی از چپ بودن جامعه و موقعیت قدرتمند و رو به رشدی است که کمونیسم و چپ اجتماعی در جامعه ایران دارد. بی جهت نیست که نشریات وابسته به وزارت اطلاعات و دیگر نهادهای حکومتی نیز مدتی است بیشتر به نقد چپ و کمونیسم مشغول شده اند و چپ را "خطر بزرگ بیخ گوش نظام" میدانند و به نظام و نهادهای امنیتی اش درمورد رشد این چپ و خطر این چپ هشدار میدهند.